Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 10, No. 2, 2021
Research Paper

The Role of verb phrases and Conditional Structures in Specialization of the Holy Quran Based on Fauconnier's Theory of Mental Spaces

Zohreh Ghorbanimadavani, Faeze Azizi,
Department of Arabic language and literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Department of Arabic language and literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

The theory of mental spaces is one of the significant achievements of cognitive linguistics and one of its important auxiliary concepts is that it helps to analyze several semantic phenomena. With the help of mental spaces in analyzing a phrase, we study the concepts hidden in them and by considering spaces for them, we analyze the way of communication between spaces. These spaces are present in our cognitive context and sometimes a network of mental spaces is reproduced from within a phrase - all of which originate in the information that the speakers of the language have about Different concepts. One of the texts that have multiple conceptual layers and the theory of mental spaces is the most effective tool for its analysis is the Holy Quran. There are many and varied mental spaces in the Holy Qur'an, each of which depicts abstract concepts, and now, with the help of mental spaces, we can understand better and more deeply the abstract concepts depicted in the Holy Quran. Therefore, the present study, relying on a descriptive-analytical method, tries to analyze and examine the role of two groups of elements-space-makers, i.e. verb phrases and conditional structures, in creating the mental spaces of Quran chapters. The results show that verb and conditional phrases by drawing spaces beyond space and time and hypothetical spaces create a situation in which the audience places himself in that space and he can achieve deep meanings of the verses. And most of the mental spaces of the verb phrases are of the time type and the mental space of the conditional group is of the hypothetical type. Also, these phrases have created an atmosphere in the realms of resurrection on the Day of Judgment, claiming adoption for God and the conflict of God's creation with adopting a wife and having a child, returning to the life of the world, and asking for strange miracles.

Keywords: cognitive linguistics, mental spaces, types of space makers, space building elements.

This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

http://dx.doi.org/10.22108/nrgs.2021.128948.1656

دوفصلنامه علمی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال دهم، شماره دوم، شماره پیاپی (۲۰) پاییز و زمستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴
صص: ۱۱۰– ۹۳

مقاله پژوهشی

نقش گروههای فعلی و ساخت‌های شرطی در فضاسازی قرآن کریم براساس نظریهٔ فضاهای ذهنی فوکونیه

زهره قربانی مادوانی*[1]، فائزه عزیزی تنهائی[2]

۱- استادیار زبان وادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
zghorbani@atu.ac.ir
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
faeze.azizi2017@gmail.com

چکیده

نظریهٔ فضاهای ذهنی از دستاوردهای چشمگیر زبان‌شناسی شناختی بوده و یکی از مفاهیم کمکی مهم آن است که به تحلیل تعدادی از پدیده‌های معناشناختی کمک می‌کند. در این پژوهش به کمک فضاهای ذهنی در تحلیل یک عبارت، مفاهیم نهفته در آنها بررسی و با در نظر گرفتن فضاهایی برای آنها نحوهٔ ارتباط میان فضاها تحلیل شده‌اند. این فضاها در پیش‌زمینهٔ شناختی ما حضور دارند و گاه از درون یک عبارت، شبکه‌ای از فضاهای ذهنی تکثیر می‌شود که منشأ تمامی آنها در اطلاعاتی است که سخنگویان زبان، دربارهٔ مفاهیم مختلف در اختیار دارند. قرآن کریم ازجمله متونی است که دارای لایه‌های مفهومی متعدد بوده و نظریهٔ فضاهای ذهنی، کارآمدترین ابزار برای تحلیل آن است. در قرآن کریم فضاهای ذهنی متعدد و متنوعی وجود دارد که هریک از آنها مفاهیمی انتزاعی را ترسیم می‌کنند و حال به کمک فضاهای ذهنی، مفاهیم انتزاعی ترسیم‌شده در قرآن کریم بهتر و عمیق‌تر درک می‌شوند؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی‌تحلیلی سعی در تحلیل و بررسی نقش دو گروه از عناصر فضاساز، یعنی گروههای فعلی و ساخت‌های شرطی در ایجاد فضاهای ذهنی سوره‌های قرآن دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند گروههای فعلی و شرطی با ترسیم فضاهایی ورای مکان و زمان و فضاهای فرضی، موقعیتی را ایجاد می‌کنند تا مخاطب خود را در آن فضا قرار دهند و امکان دستیابی به مفاهیم عمیق آیات را برایش میسر کنند و بیشتر فضاهای ذهنی گروه فعلی، از نوع زمانی و فضای ذهنی گروه شرطی، از نوع فرضی‌اند. همچنین، این گروهها در حوزه‌های مربوط به معاد و بعثت در روز قیامت، ادعای فرزندخواندگی را برای خداوند و تعارض خالقیت خداوند با داشتن فرزند، بازگشت به زندگی دنیا، درخواست معجزه‌های عجیب و غریب را فضاسازی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی

زبان‌شناسی شناختی، فضاهای ذهنی، انواع فضاسازها، عناصر فضاساز

---

*نویسنده مسئول

طرح مساله

زبان‌شناسی شناختی[1] از سال ۱۹۸۷ به‌صورت الگوی علمی، پا به عرصهٔ ظهور در زمینهٔ مطالعات زبان‌شناسی گذاشت و به مجموعه‌ای از نظریه‌ها اطلاق می‌شود که به ابعاد شناختیِ ارتباط زبانی می‌پردازد (افراشی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۵)؛ ازاین‌رو، زبان‌شناسان شناختی سعی در توصیف و تبیین ساختار و نقش زبان دارند و از این حیث، با سایر زبان‌شناسان وجه‌اشتراک دارند؛ اما تأکید زبان‌شناسان شناختی بر این نکته است که زبان، الگوهای اندیشه را منعکس می‌کند (راسخ مهند، ۱۳۹۷ش، ص ۹)؛ ازاین‌رو، با تأکید بر همسازی میان معانی زبانی و سازوکارهای ذهنی، هدف از بازنمودیِ ذهن را شناخت ماهیت سازوکارهای ذهنی بیان کردند. براساس همین رویکرد، نظریاتی که از درون آن برآمد، بر همین اصل پایبند بودند و بر چگونگی عملکرد ذهن انسان در تحلیل جملات و متون تأکید کردند. ازجمله این نظریات، نظریهٔ فضاهای ذهنی است. این نظریه به‌عنوان یکی ازساخت‌های مفهومی بنیادین در آرای معنی‌شناسی شناختی در تلاش است تبیینی را برای فرایندهای شناختی و اصولی سهیم در ساخت معنا ارائه کند (نقی‌زاده و اورکی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۳)؛ به گونه‌ای که با ترسیم فضاهایی مبتنی بر عبارات به تحلیل مفهوم‌سازی نهفته در آنها می‌پردازد و عناصری با عنوان «فضاسازها» در ترسیم فضاهای ذهنی نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ ازجمله، گروههای فعلی، اسمی، قیود زمانی و مکانی و ساخت‌های شرطی و متممی. در قرآن کریم که ازجمله متونی است که در آن تنوع و تعدد فضاها موج می‌زند و خود قرآن به این ویژگی‌اش در آیهٔ ٤۱ سورهٔ اسراء[2] اشاره کرده است، مملو از انواع فضاسازهایی است که نقش مهمی در ساخت فضاهای ذهنی دارند. پژوهش حاضر نیز قصد دارد با روش توصیفی‌تحلیلی و با تکیه بر نظریهٔ فضاهای ذهنی و از میان انواع فضاسازها نقش گروههای فعلی و ساخت‌های شرطی را در ترسیم فضاهای ذهنی قرآن بررسی کند و به تحلیل فضاهای ذهنی سوره‌های قرآنی بپردازد و به سؤالات زیر پاسخ دهد.

– تحلیل چهل سوره آغازین قرآن از منظر نظریهٔ فضاهای ذهنی، چگونه ما را در تبیین شناختی قرآن رهنمون می‌سازد؟

– گروههای فعلی و ساخت‌های شرطی چه نقشی در فضاسازی سوره‌های قرآن دارد؟

پیشینهٔ پژوهش

اولین کتابی که در آن نظریهٔ فضاهای ذهنی مطرح شد، کتاب ***فضاهای ذهنی***[3] ژیل فوکونیه در سال ۱۹۹٤ بود. سپس در سال ۱۹۹۷ به توضیح بیشتر نظریه‌اش در کتاب «**نگاشت‌ها در اندیشه و زبان**[4]» پرداخت و در سال ۲۰۰۲ او به همراه مارک ترنر صورت نهایی نظریهٔ خود را در کتاب ***چگونه می‌اندیشیم آمیزهٔ مفهومی و پیچیدگی‌های پنهان ذهن***[5] ارائه کرد. این کتاب را جهانشاه میرزابیگی به فارسی ترجمه کرده است. در حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی، آزیتا افراشی (۱۳۹۵) در کتاب ***مبانی***

---

[1] - Cognitive Linguistics

[2]. وَلَقَد صرّفنا فی هذاالقرآنِ لِیَذَکّروا وما یَزیدُهُم إلّا نُفورا.

[3] - Mental spaces

[4] - Mappings in Thought and Language

[5] - The Way we Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities

معناشناسی شناختی در فصل هشتم، محمد راسخ مهند (۱۳۹۷) در کتاب ***درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*** در فصل هفتم و بلقیس روشن و لیلا اردبیلی (۱۳۹۲) در کتاب ***مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*** در فصل ششم، ماهیت و کارکرد فضاهای ذهنی را توضیح داده و به انواع فضاسازها اشاره کرده‌اند و در فصل هفدهم کتاب ***مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*** اثرژلتن کوچش که شیرین پورابراهیم (۱۳۹۸) آن را به فارسی ترجمه کرده، به الگوی شبکه‌ای فوکونیه و ترنر اشاره شده است. سحر بهرامی خورشید (۱۳۹۸) در ***دستورشناختی مبانی نظری و کاربست آن در زبان فارسی*** در فصل سوم کتاب خود فضاهای ذهنی را از این نظر که مفهوم‌سازی جملات و عبارات در آن ماهیتی تصوری دارند، تحلیل و بررسی کرده است. علیرضا قائمی‌نیا در کتاب ***معناشناسی شناختی قرآن*** (۱۳۹٦) در فصل هفتم و در کتاب ***استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن*** (۱۳۹۷) در فصل دوم و سوم به توضیح نظریه و نمونه‌های تطبیقی از منظر فضاهای ذهنی پرداخته است. در حوزهٔ زبان و ادبیات عربی نیز الأزهر الزناد (۲۰۰۹) در کتاب ***نظریات لسانیهٔ عرفنیهٔ*** فصل ششم و هفتم کتاب خود را به نظریهٔ فضاهای ذهنی اختصاص داده و کاربست آن را در زبان عربی توضیح داده است؛ بنابراین، تمام این کتاب‌ها تنها به بحث نظری موضوع پرداخته‌اند و بحث تطبیقی در آنها بسیار کمرنگ است.

اما مقالاتی که با تکیه بر این نظریه صورت گرفته است: مقالهٔ «**تحلیل‌شناختی ساختار قرآن در چارچوب نظریهٔ فضاهای ذهنی فوکونیه**» از محمود نقی‌زاده و غلامحسن اورکی (۱۳۹۵)، «**فرایند فضاسازی ذهنی در داستان کباب غاز**» از عشرت ثقفی (۱۳۹٤)، «**بررسی فضاهای ذهنی سورهٔ قمر با تأکید بر معناشناسی شناختی**» از محمدحسین شیرافکن و فاطمه صاحبیان (۱۳۹۹)، «**تحلیل فضاهای گفتمان شیطان در قرآن**» از محمدحسین شیرافکن و علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۵)؛ نویسندگان در این مقاله‌ها به تحلیل فضاهای ذهنی مبتنی بر قسمت تطبیقی پژوهش با ذکر شاهدمثال‌هایی از آنها پرداخته‌اند و در حوزهٔ زبان و ادبیات عربی مقاله «**الأفضیهٔ الذهنیهٔ والسیمیوزیس أوالتأویل اللامتناهی**» از زکونزیهٔ و صالح غیلوس (۲۰۱۹)؛ نویسندگان در این پژوهش به چگونگی فهم ساختارهای زبانی جملات و متون براساس نظریهٔ فضاهای ذهنی پرداخته و نیز بر اهمیت این نظریه در فرایند تأویل متون تأکید کرده‌اند. در مقاله «مراحل ساخت معنا در خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه آمیختگی مفهومی» از علی‌اکبر لبش و همکاران: تمرکز نویسندگان در این مقاله بر آمیختگی مفهومی بوده و به این نتیجه رسیده‌اند که توانایی خلاق بشری برای بیان مفاهیم انتزاعی ازطریق مفاهیم عینی در فضاهای مختلف کاملاً مشهود است. در مقالهٔ «**قدرة نظریة الفضاءات الذهنیة علی تأویل الأبنیة اللغویة**» از لطفی الذویبی (۲۰۱٦) و در مقالهٔ «**نظریة الأفضیة الذهنیة، المفهوم والاجراءات**» از وهیبهٔ بوشلیق به شرح نظریه و توضیح انواع آن و عناصر فضاساز آن پرداخته شده است.

و ارزش‌افزوده این مقاله، این است که به‌صورت اختصاصی تنها دو عنصرساز شرط و گروههای فعلی در آن بررسی می‌شود که در مقالات مذکور به آن پرداخته نشده است و نیز در کتاب قرآن کریم به استخراج نمونه‌ها می‌پردازد که برای چنین

پژوهش‌هایی راه در آن، بسیار باز است. همچنین، برخلاف دو مقاله صورت‌گرفته در حوزه قرآن، سعی شده است به نتایج حاصل از فضاهای ذهنی نیز اشاره کند.

۱- بخش نظری پژوهش

۱-۱ فضاهای ذهنی[1]

ساختار زبانی، مظاهر شناخت بشری را با دقت هرچه تمام منعکس می‌کند و بهترین دلیل بر اثبات آن نزد فوکونیه در قدرت انسان بر کدگذاری اشیا با تکیه بر به‌هم‌پیوستگی شناختیِ مرتبط با تجربهٔ بشری تجسم می‌یابد. فوکونیه بر این باور است که ساخت معنا تا حد زیادی فرایندی است که پشت صحنه اتفاق می‌افتد و زبان، اندیشه را به‌صورت پیچیدهٔ آن رمزگذاری نمی‌کند (فوکونیه، ۱۹۹٤، ص ۹). با توجه به این استدلال، او در سال ۱۹۹٤ نظریه‌ای به نام فضاهای ذهنی در معنی‌شناسی شناختی[2] معرفی کرد و بر اساس آن، ساخت معنا را شامل دو مرحله دانست: یکی ساختن فضاهای ذهنی و دوم ایجاد نگاشت بین فضاهای ذهنی[3] ایجادشده. فوکونیه در تعریف فضاهای ذهنی می‌گوید: «ساختارهایی جزئی که هنگام صحبت‌کردن و اندیشیدن تکثیر می‌یابند و امکان تفکیک ساختارهای دانش و گفتمان‌های ما را ایجاد می‌کنند (همان، ص ۱۱)، درحقیقت فضاهای ذهنی ساخت‌واره‌هایی هستند که در زمان واقعی گفتار، پدید می‌آیند و ماهیتی شناختی دارند (بهرامی خورشید، ۱۳۹۸ش، ص ٦٦). به بیانی ساده‌تر، هنگام رویارویی با جملات و عبارات براساس روابط یا نگاشت‌های میان عبارات و فضاهای ذهنی، معناهای نامحدودی به وجود می‌آیند؛ به‌طور مثال، هنگامی که ما عبارتی را می‌خوانیم یا می‌شنویم، می‌توانیم از آن یک یا چند فضای ذهنی در ذهن‌مان بازنمایی کنیم. مثال زیر ماهیت فضای ذهنی را بهتر مشخص می‌کند:

– مثال شماره ۱: اگر دوباره به دنیا می‌آمدم، جور دیگری زندگی می‌کردم.

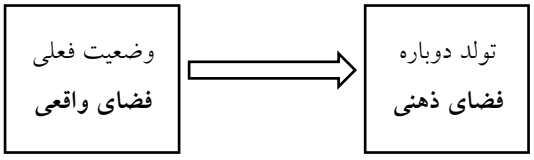

دراین عبارت، صحنه‌ای از خلاف واقعیت نشان داده شده و یک فضای ذهنی را بازنمایی کرده است. به عبارتی سخنگوی این عبارت وضعیت فعلی خود را با یک وضعیت ذهنی (تولد دوباره) می‌سنجد. در فضای ذهنی معمولاً یک فضا به‌عنوان فضای پایه بوده – و عمدتاً واقعی است– و فضای دیگر، فضای ذهنی مبتنی بر فضای پایه است (این فضای دوم انواعی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود). پس فوکونیه دریافته بود بسیاری از فعالیت‌های شناختی صورت‌گرفته در زبان بر مقایسهٔ چیزی با چیز دیگری در فضای ذهنی مبتنی است.

۱-۱-۱ پیوند جدایی‌ناپذیر معنی‌شناسی و کاربردشناسی[4]؛ اصل بنیادین فضاهای ذهنی

دیدگاه شناختی بر این باوراست که مفهوم‌سازی از کاربرد زبان در بافت ناشی می‌شود؛ این یعنی هیچ‌گونه تمایز اصولی بین معنی‌شناسی و کابردشناسی وجود

[1] - Mental spaces
[2] - Cognitive Semantics
[3] - Cross space mapping
[4] - Pragmatics

ندارد (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۱). فوکونیه نیز هنگام طرح این نظریه اعتقاد داشت معانی جمله‌ها را نمی‌توان جدا از بافت و کلام بررسی کرد. به عبارت دیگر، نمی‌توان معنی‌شناسی را از کاربردشناسی جدا کرد (راسخ مهند، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۱). پس در معنی‌شناسی شناختی یک دانش از پیش ذخیره شده در زبان نبوده است؛ بلکه ساختن معنا فرایندی پیچیده است که در سطح مفهومی صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، بنابر موقعیت گفتگو، جملات و عبارات می‌توانند سناریوهایی غیرواقعی متفاوتی ایجاد کنند. فضاهای ذهنی مثال شماره ۱ برحسب موقعیت‌های مختلف: اگر دوباره به دنیا می‌آمدم، جور دیگری زندگی می‌کردم.

• موقعیت اول: سخنگوی این عبارت کسی است که از وضعیت زندگی خود اعم از کارهایی که تا به حال انجام داده یا اوضاعی که به‌طور ناخواسته در آن قرار گرفته است، راضی نیست؛ ولی امکان تغییر آن را نیز نداشته و دنبال آن در حیات جدید است.

• موقعیت دوم: سخنگوی این عبارت کسی است که از وضعیت زندگی خویش راضی بوده است؛ ولی دوست دارد اگر دوباره متولد شود، سَبک دیگری از زندگی را نیز تجربه کند.

• موقعیت سوم: سخنگوی عبارت کسی است که (با صرف‌نظر از راضی‌بودن و ناراضی‌بودن از زندگی خویش) تمایل دارد دوباره به دنیا بیاید و زندگی کند؛ ولی آن را محال می‌داند.

بنابراین، جملات فقط دریچه‌ای به تعابیر مختلف هستند و با تکیه بر فضاهای ذهنی متفاوت می‌توان تعابیر مختلفی برای یک جمله در نظر گرفت.

۱-۱-۲ انواع فضاهای ذهنی

یک عبارت دست‌کم از دو فضا تشکیل می‌شود؛ فضای اول یا همان فضای اصلی که عمدتاً واقعی هم بوده و منطق حرکت ذهنی بر آن استوار است و فضای دوم شاخه‌ای متولدشده از فضای اول است (الذویبی، ۲۰۱۶م، ص ۱۵) که براساس انواع آن، گونه‌های مختلفی از فضاهای ذهنی به وجود می‌آیند. افراشی در کتاب خود به نقل از پیتراستاک وِل[1] به چهار نوع فضای ذهنی اشاره می‌کند: فضاهای زمانی[2]، فضاهای مکانی[3]، فضاهای حوزه‌ای[4] و فضاهای فرضی[5]. فضای فرضی را دو نوع غیرواقعی و غیرممکن و غیرواقعی ولی ممکن می‌داند (افراشی، ۱۳۹۵ش، صص ۱۴۷ و ۱۴۹). حال به توضیح مختصر هریک پرداخته می‌شود:

فضاهای زمانی: با آمیختگی مفهومی فضاهای زمانی می‌توان خود، دیگران و وضعیت‌ها را در زمان‌هایی به جز آنچه در زمان حال تجربه می‌کنند، تصور کرد:

– سال دیگر در مسابقات ورزشی شرکت خواهیم کرد.

فضاهای مکانی: الفاظی که به مکان‌های جغرافیایی دلالت می‌کنند. به کمک آمیختگی فضای مکانی که گوینده در آن به سر می‌برد و مکانی به جز آن، فهم چنین جملاتی میسر می‌شود:

– در آفریقای جنوبی انسان‌ها در فقر به سر می‌برند.

فضاهای فرضی: جملات و عباراتی که در آن گوینده دربارهٔ فضایی فرضی سخن می‌گوید. فضای

[1] - Peter Stockwell
[2] -Time spaces
[3] - Spatial spaces
[4] - Domain spaces
[5] - Hypothetical spaces

فرضی دو نوع غیرواقعی و غیرممکن و گاهی غیرواقعی ولی ممکن است:

– اگر دوباره متولد می‌شدم، جور دیگری زندگی می‌کردم ⟸ فضای فرضی غیرواقعی و غیرممکن

– سال دیگر در مسابقات ورزشی شرکت خواهیم کرد ⟸ فضای فرضی غیرواقعی ولی ممکن

الذوبیی در پژوهش خود به چهار نوع فضای دوم اشاره کرده وآن را واقعی، نظری، خیالی یا فرضی دانسته و فضای واقعی را به دو نوع فضای ازدست‌رفته و فضای مطلوب تقسیم کرده است (۲۰۱٦م، ص ١٦):

– ای کاش جوانی روزی برگردد ⟸ فضای ذهنی آرزوگونه (خیالی)

– از سلامتی کاملاً استفاده می‌کردم ⟸ فضای ذهنی واقعی ازدست‌رفته

– می‌خواهم یک وکیل شوم ⟸ فضای ذهنی واقعی مطلوب

– اگر جای تو بودم، چنین می‌کردم ⟸ فضای ذهنی فرضی (همان)

۱-۱-۳ فضاسازها

فضاسازها نقش ایجاد فضاهای ذهنی را به عهده دارند. آنها واحدهایی زبانی‌اند که یا باعث ایجاد یک فضای ذهنی تازه می‌شوند یا سخنگو را به فضاهای ذهنی قبلی می‌برند و باعث می‌شوند شنونده آمادۀ ساختن فضایی فراتر از زمان و مکان کنونی بشود. فضاسازها انواع مختلفی دارند:

• **گروههای حرف اضافه**: در اوایل دهه ۱۳٦۰، در حیاط مدرسه

• **گروههای قیدی**: درواقع، خوشبختانه

• **ساخت‌های شرطی**: اگر

•**گروههای اسمی**: پایتخت ایران

•**گروههای فعلی**: جنگیدن، رفتن (راسخ مهند، ۱۳۹۷ش، ص ١٢٤).

بنابراین، فضاسازها از ارکان مهم فضاهای ذهنی بوده‌اند که حتی در نوع فضای دوم نقش دارند.

۲- بخش تطبیقی پژوهش: نقش فضاسازها در ایجاد فضاهای ذهنی

در قسمت مقدمه اشاره شد تأکید اصلی زبان‌شناسی شناختی بر چگونگی عملکرد ذهن انسان در تحلیل عبارات بوده و نظریه‌هایی که از درون این رویکرد مطرح شدند، همگی بر این اصل استوار بودند؛ بنابراین، زبان‌شناسان شناختی ویژگی‌هایی برای چگونگی مفهوم‌سازی[1] در ذهن هنگام مواجه با عبارات براساس انگارۀ شناختی قائل‌اند. ازجملۀ آن ویژگی‌ها، مشخصه‌ای است که درک بازنمایی فضاها را در نظریۀ فضاهای ذهنی میسر می‌کند.

ماهیت تصوری[2] (تخیلی) مفهوم‌سازی است. به عبارت دیگر، معنای زبانی همواره بازتاب مستقیم جهان خارج نیست؛ یعنی اینگونه نیست که معنا همواره به‌طور مستقیم و خودکار از وقایع عینی جهان به دست آید. بسیاری از مواقع رویدادهایی مفهوم‌سازی می‌شوند که متعلق به جهانی تخیلی یا تصوری‌اند. درواقع این ویژگی مفهوم‌سازی نشان می‌دهد بشر این ظرفیت را دارد که بتواند با ابزارهای گوناگون فضایی خلق کند که دور از واقعیت و حتی عجیب باشد. این ظرفیت شناختی می‌تواند به شکل‌های مختلف بروز کند (بهرامی خورشید،

---

[1]. در زبان‌شناسی شناختی معنی همسان مفهوم‌سازی است.

[2] - Imaginative

۱۳۹۸ش، ص ٦٦). بر این اساس، مثال شماره ۱ را به یاد آوریم که چطور یک جمله در موقعیت‌های مختلف، سناریوهای متفاوتی ایجاد می‌کند. بنابر موقعیت اول، فضای «تأسف» برای مخاطب تداعی شد. بنابر موقعیت دوم، فضای «تنوع‌طلبی» گویندهٔ سخن به ذهن آمد و موقعیت سوم، فضای «تمنی و آرزو» را ترسیم می‌کند. درحقیقت ساختار ذهنی، این توانایی را دارد که از یک عبارت موقعیت‌های مختلفی استخراج کند و دانشمندان علوم‌شناختی نیز با به‌کارگیری روش‌های آزمایشی گوناگون درصدد اثبات هرچه بیشتر کارایی‌های ذهن بشرند. نظریه‌های ذهنی هم درصدد نشان‌دادن ماهیت تصوری معناست تا از آن طریق، چگونگی عملکرد ذهن انسان در تحلیل عبارات به دست آید.

در هر فضای ذهنی عناصری وجود دارند که در ساخت آن نقش دارند. این عناصر در نظام زبانی همان گروههای قیدی، ساخت‌های شرطی، حروف اضافه و گروههای اسمی هستند. راسخ مهند در کتاب خود به نوع دیگری از عناصر فضاساز یعنی گروههای فعلی اشاره کرده است. گروههای فعلی ویژگی‌هایی هستند که طی آن عناصر دیگر موجود در عبارت (گروه قیدی، حروف اضافه و ...) به آن ربط داده یا روابطی بین آنها تعریف می‌شود.

۲-۱ گروههای فعلی

گروههای فعلی به‌تنهایی عنصری فضاساز نیستند؛ بلکه در روابطی که بین آن و دیگر گروهها ازجمله گروههای قیدی زمانی و مکانی و انواع دیگر قیود، گروههای اسمی، ساخت‌های شرطی و حروف اضافه تعریف می‌شوند، باعث ایجاد فضاهای ذهنی می‌شوند؛ زیرا روابط و ویژگی‌های ایجادشده مثل آرام‌خندیدن، خوب بازی کردن و ... ازطریق اطلاعات پس‌زمینه‌ای موجود در ذهن ساخته می‌شوند؛ به‌طور مثال، خلق فضای آرام خندیدن کسی از تجربهٔ آرام خندیدن خودمان یا دیدن چهرهٔ کسی از قبل و ... باعث می‌شود چنین فضایی ترسیم شود.

الف: برانگیختن و احیای انسان‌ها

مسئلهٔ بعثت و معاد در روز قیامت ازجمله مسائل مهم قرآن بوده و در بسیاری از سوره‌های قرآنی به آن اشاره شده و فضاهای ذهنی گوناگونی برای اعتقاد به آن ترسیم شده است:

■ حج /۵: «**یاأیُها النّاسُ إن کُنتم فی رَیبٍ مِن البَعثِ فإنّا خَلَقناکُم مِن تُرابٍ ثُمَّ من نُطفةٍ ثُمَّ من عَلَقَةٍ ثُمَّ من مُخَلَّقةٍ لِنُبَیِّنَ لَکُم وَ نُقِرُّ فی الأرحامِ مَا نَشاءُ إلی أجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخرجُکُم طفلًا ثُمَّ لِتَبلُغوا أشُدَّکم وَ مِنکُم مَن یُتوفّی وَ مِنکُم مَن یُرَدُّ إلی أرذَلِ العُمرِلکیلا یَعلمَ مِن بَعدِ علمٍ شیئًا وَتَری الأرضَ هَامِدَةً فإذا أنزَلنا علیها الماءَ اهتزَّت وربَت و أنبَتَت مِن کلِّ زوجٍ بَهیجٍ**».

ای مردم! اگردر رستاخیز شک دارید (به این نکته توجه کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و بعد از خون بسته‌شده، سپس از مضغه (= چیزی شبیه گوشت جویده‌شده) که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم) و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم) بعد شما را به‌صورت طفل بیرون می‌آوریم. سپس هدف این است که به حدّ رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان، بعضی از شما می‌میرند و بعضی آن‌قدر عمر

می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آن چنان که بعد از علم و آگاهی چیزی نمی‌دانند. (از سوی دیگر) زمین را (در فصل زمستان)خشک و مرده می‌بینی؛ اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت در می‌آید و می‌روید و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویاند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۸).

تحلیل شناختی آیه: در این آیهٔ شریفه دو فضای ذهنی برجسته در ارتباط با مسئلهٔ بعث و معاد وجود دارد؛ این دو فضا از فضاهای اصلی آیه بوده است؛ ولی برای گذر از فضای اول به فضای دوم، فضاهای مختلف دیگری مطرح می‌شوند. درواقع در آیه انتقال از فضایی به فضای دیگر وجود دارد:

در فضای ذهنی اول، انسان‌هایی خطاب شده‌اند که نسبت به روز رستاخیز شک دارند؛ یعنی آیه، فضای ذهنی‌ای را ترسیم می‌کند که در آن انسان‌ها به حقیقت معاد و بعث شک دارند و آن را قبول ندارند. سپس در ادامه، فضاهای ذهنی مختلف مرتبط با آن بیان می‌شوند که به مراحل خلقت انسان اشاره می‌کنند:

۱- فضایی که انسان هنوز خلق نشده‌اند و اشاره به جنس او دارند.

۲- فضایی که انسان در رحم مادر قرار می‌گیرد و به مرحله موجودیت می‌رسد.

۳- فضایی که انسان در کالبدی انسان‌گونه متولد شده و از میان‌شان برخی عمر کوتاه و برخی دیگر عمر بسیار طولانی و طاقت‌فرسایی خواهند داشت.

این سه فضا در ادامهٔ فضای اول، اشاره به مراحل خلقت آدمی از خاک تا کالبدی انسان‌گونه دارد و در ادامه، فضای ذهنی دیگری به وجود می‌آید که ساختار مشترکی با قبلی دارد. در فضای ذهنی جدید، زمین که در فصل زمستان خشک و بی‌جان می‌شود، بر اثر بارش باران دوباره جان می‌گیرد و گیاهان بر آن می‌رویند. به عبارتی در فضای ذهنی جدید، زمین سرسبز و جاندار شده و از آن حالت خشکی و رکود درآمده است. حال براساس اصل دسترسی که در آن ویژگی‌های مشترک بین فضاها ساختاربندی مشترکی نیز بین آنها ایجاد می‌کند، ارتباط بین فضاها به‌خوبی نمایان می‌شود. به عبارت دیگر، در فضای اول که سخن از شک و تردید انسان‌ها نسبت به حقیقت رستاخیز و معاد است، در فضای دوم به آن پاسخ داده شده و آن احیای زمین بعد از خشک و بی‌جان‌شدن آن است؛ یعنی همان‌طور که زمین مرده را جان بخشیدیم، انسان‌های مرده را هم (که در سه فضای فرعی به خلقت‌شان اشاره شد) زنده می‌کنیم.

در این آیه شریفه نیز «نزول باران و زنده و شاداب کردن» (گروه فعلی) به خداوند اطلاق شده و فضای ذهنی آیه همانند آیه فوق با توجه به سیاق، یعنی سخن از بعث در روز رستاخیز، از نوع «زمانی» بوده است؛ هرچند در نص آیه به آن اشاره نشده است.

ب: ادعای برتری

■ مائده /۱۸: «**وَ قالت الیهودُ والنّصاری نحن أبناءالله وَأحبّاؤُهُ قُل فَلِمَ یُعَذِّبُکم بِذنوبِکم بَل أنتم بشرٌمِمّن خَلَقَ یَغفِرُلِمَن یَشاءُ وَ یُعَذِّبُ مَن یَشاءُ ولله ملکُ السّماواتِ وَالأرضِ وَمَا بینَهُما وَإلیه المَصیر**».

یهود و مسیحیان گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم. بگو: پس چرا شما را در برابر گناهان‌تان مجازات می‌کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که آفریده، هرکس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می‌کند و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه درمیان آنهاست، از آن اوست و بازگشت

همهٔ موجودات به سوی اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ٦٩٣).

تحلیل شناختی آیه: بافت آیه در ماجرای چندی از یهودیان و مسیحیان ازجمله نعمان بن قصی، بحر بن عدی و شاس بن عدی است. هنگامی که پیامبر(ص) آنها را به سوی خدا فراخواند و آنها را از تنبیه و عقاب خدا برحذر داشت؛ ولی آنان در پاسخ گفتند: ما را ازچه می‌ترسانی ای محمد. به خدا قسم ما فرزندان خدا و دوستان اوییم (سیوطی، ١٤٢٤ق، ص ١٠١). در ادامهٔ آیه، به عقوبت گناهان یهود و مسیحیان اشاره شده است. درحقیقت در آیه فرزندان خدا و دوست خاص او بودن در فضای ذهنی قرار می‌گیرد. آنگونه که در *تفسیر الکشاف* آمده است اگر ادعای یهودیان و مسیحیان درست بود، باید همچون پدر خود (خدا) از جنس او می‌بودند که گناه و زشتی نداشتند و عقاب نیز نمی‌شدند (الزمخشری، ١٤٠٧ق، ص٣٢٥). به عبارت دیگر، دو فضای ذهنی در آیه وجود دارد: یکی فضای گمان یهودیان و مسیحیان که خود را فرزندان و دوستان خدا می‌دانند و خدا هرگز به فرزندان و دوستان خود غضب نمی‌کند (در پاسخ به پیامبر(ص) که آنها را از عذاب و تنبیه خداوند برحذر داشت[1] و دیگر، فضای عالم واقع که قرآن، آن را ترسیم کرده است و در آن یهودیان و مسیحیان به سبب گناهان‌شان عذاب و عقوبت می‌شوند (زیرا برحسب گمان آنها خدا به‌عنوان پدر بر فرزندان و دوستان مقرب خویش غضب نمی‌کند). (حال تفکیک دو فضای متفاوت در آیه نشان می‌دهد یهودیان و مسیحیان تا چه اندازه خودشان را مخلوقاتی برتر می‌دانستند؛ تا جایی که خود را فرزندخواندهٔ خدا و دوستان خاص او می‌دانستند. فضای ذهنی آیه از نوع «فرضی» است؛ زیرا «فرزند خدا و جزء دوستان خاص او بودن» در فضای ذهنی قرار گرفته و نیز نسبتی است (گروه فعلی) که یهودیان بر خود اطلاق کردند و چون طبق سیاق آیه دعوت یهودیان به دین اسلام در عرصهٔ دنیاست، علاوه بر گروه فعلی، قید مکانی نیز فضاسازی کرده است.

پ: یگانگی و وحدانیت خداوند

■نساء/۱۷۱: «**یا أهلَ الکتابِ لا تَغلوافی دینِکُم وَلا تَقولواعَلَی الله إلّا الحقَّ اِنّما المسیحُ عیسی ابنُ مریمَ رسولُ اللهِ وَ کَلِمَتُهُ ألقاهاإلی مریمَ وروحٌ منه فآمَنواباللهِ وَرُسُلِه وُلا تَقولواثلاثةٌ انتَهواخیراً لَکُم اِنّما اللهُ إلهٌ واحِدٌ سُبحانَهُ أن یکونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فی السّماواتِ ومَا فی الأرضِ وَکَفَی باللهِ وکیلًا**».

ای اهل کتاب، در دین خود، غلوّ (و زیاده‌روی نکنید) و دربارهٔ خدا غیر از حق نگویید. مسیح عیسی بن مریم فقط فرستادهٔ خدا و کلمه (و مخلوق)اوست که او را به مریم القا کرد و روحی (شایسته) از طرف او بود؛ بنابراین، به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگویید: «(خداوند) سه‌گانه است»، (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است، خدا تنها معبود یگانه است، او منزّه است که فرزندی داشته باشد (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و در زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آنها خداوند کافی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ٦٧٦).

تحلیل شناختی آیه: بافت آیه در ارتباط با ماجرای حضرت مسیح(ع) آمده است که مسیحیان و یهودیان در کرامت حضرت مسیح(ع) بزرگ‌نمایی کردند و برای او وجهی الهی‌گونه قائل بودند و اعتقاد به مسئله تلثیث و خدایان سه‌گانه داشتند؛ به گونه‌ای که

[1]. ودعاهم إلی الله وحذرهم نقمته.

عیسی(ع) را پسر (فرزند) خدا می‌دانستند و او را این‌چنین ستایش می‌کردند (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج٤. ص ۲۲٤؛ الزمخشری، ۱٤۰۷ق، ص ۳۱۳). قرآن در پاسخ به چنین گمانی دو فضای ذهنی برجسته ترسیم می‌کند:

۱) در فراز ابتدایی آیه، خداوند حضرت مسیح(ع) را فقط پسر حضرت مریم(س) و فرستاده و مخلوق خویش معرفی کرده است. درحقیقت قرآن با ترسیم چنین فضایی پاسخ کسانی را می‌دهد که برای مسیح(ع) وجههٔ الهی‌گونه قائل بودند و از مقایسهٔ دو فضای موجود در آیه این نکته برداشت می‌شود که مسیح(ع) همانند دیگر انسان‌ها در رحم مادر قرار گرفته و از شکم او متولد شده (همانند سایر مخلوقات) و مخلوقی از جانب خداست. پس اعتقاد به سه‌گانهٔ پدر، پسر و روح‌القدس (فضای پندار مسیحیان و یهودیان) منسوخ و باطل است. فضای ذهنی آیه از نوع «واقعی» بوده که در آن «مخلوق‌بودن پیامبر خدا و کلمهٔ القاشده (گروه فعلی) به مسیح(ع) اطلاق شده و نیز در آیه علاوه بر گروه فعلی، قید مکانی (دنیا) فضاسازی کرده است. هرچند قید مکانی در نص آیه وجود ندارد، می‌دانیم تولد انسان روی زمین (دنیا) صورت می‌گیرد و نیز ارسال پیامبران برای انسان‌ها هم مربوط به دنیاست.

غلوّ در تقدیس مسیح(ع) در سورهٔ آل عمران آیه ۵۹ به شکل دیگری فضاسازی شده است:

«إنَّ مَثَلَ عیسی عند اللهِ کَمَثَلِ آدمَ خَلَقَهُ مِن تُرابٍ ثُمّ قالَ کُن فَیَکونُ».

مثل عیسی در نزد خدا همچون آدم است که او را از خاک آفرید؛ سپس به او فرمود: موجود باش، او هم فوراً موجود شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ٥۲٤).

در این آیهٔ شریفه نیز الوهیت مسیح(ع) در فضای ذهنی قرار گرفته و خداوند فضایی را ترسیم کرده است که تولد مسیح(ع) بدون پدر دلیل بر الوهیت او نیست؛ زیرا قبل او، حضرت آدم(ع) نیز چنین آفریده شده است؛ درنتیجه، از قدرت الهی چنین امری بر می‌آید که فرزندی بدون پدر متولد شود.

۲) در فراز انتهایی آیه در ادامهٔ اعتقاد مسیحیان و یهودیان، فرزندداشتن خدا در فضای ذهنی قرار گرفته است؛ بنابراین، در فضای ذهنی آیه، فقط خداوند معبود یگانه و واحد است و او از داشتن فرزند منزّه و مبراست؛ زیرا اگر خداوند فرزندی همانند شأن خود داشته باشد، پس پرستش او نیز امری واجب است؛ بنابراین، او دیگر تنها معبود یگانه نیست؛ ازاین‌رو، تفکیک دو فضای متفاوت نشان می‌دهد تنها معبود مورد پرستش فقط خداست و از داشتن فرزند منزّه است؛ زیرا این مسئله در تضاد با یگانگی اوست. فضای ذهنی فراز دوم آیه نیز از نوع «واقعی» بوده و علاوه بر گروه فعلی (یگانه‌بودن خداوند و منزّه‌بودنش از داشتن فرزند) که به خداوند (گروه اسمی) اطلاق شده است، قید مکانی (آسمان‌ها و زمین) نیز از عناصر فضاسازند؛ زیرا هنگام صحبت از مالکیت خداوند بر هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، صحبت از مالکیت او بر آن مکان‌هاست.

۲-۲ ساخت‌های شرطی

عناصر فضاساز اصلی مثل قیدهای زمانی و مکانی، ساخت‌های شرطی و ... با جلب‌نظر مخاطب از زمان و مکان کنونی به زمان و مکانی دیگر در ترسیم فضاهای ذهنی نقش دارند. به عبارت دیگر، فضاهای مذکور باعث می‌شوند مخاطب صحنه‌ای را ورای اینجا و

اکنون ترسیم کند و ممکن است این صحنه واقعیتی در گذشته، حال و آینده یا موقعیتی فرضی باشد (نک: روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ص ۱٦۸).

الف. بازگشت به دنیا

در قرآن کریم بارها از حال مشرکان و بت‌پرستانی یاد می‌کند که هنگام رسیدگی به اعمال در روز قیامت در حسرت و ندامت به سر می‌برند و آرزوی زندگی دوباره‌ای را دارند تا در آن به جبران اعمال‌شان بپردازند. در سوره‌های زیر بازگشت به دنیا در فضای فرضی قرار گرفته و چنین آمده است:

■ شعراء/۱۰۲: «**فَلَو لَنا کَرَّةً فنکونَ مِن المؤمنین**»

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸۲).

تحلیل شناختی آیه: این آیه دربارهٔ بت‌پرستان و مشرکانی است که در دنیا مشغول بت‌پرستی بوده‌اند و در روز قیامت وقتی خود را در عذاب می‌بینند، آرزوی بازگشت به دنیا را می‌کنند و می‌گویند ای کاش به دنیا باز می‌گشتیم و به خدا ایمان می‌آوردیم. در این آیه بازگشت و رجوع به دنیا در فضای ذهنی قرار می‌گیرد که این امر در روز قیامت امری محال است. به عبارت دیگر، آیه دربردارندهٔ دو فضای متفاوت است: یکی فضای پندار و گمان مشرکان و دیگری، فضای عالم واقع. در فضای پندار مشرکان، آنها آرزوی بازگشت و رجوع به دنیا را دارند تا به خدا ایمان آورند؛ ولی در فضای عالم واقع آنها در روز قیامت‌اند و کیفر اعمال خود را می‌بینند و چنانچه علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به نقل از تفسیر قمی می‌گوید: «مشرکان و بت‌پرستان در آن روز ایمان می‌آورند؛ اما این را نیز می‌فهمند که ایمان در آن روز هیچ سودی به حال‌شان ندارد و ایمان نافع آن ایمانی است که در دنیا داشتند؛ بنابراین، آرزو می‌کنند ای کاش به دنیا بر می‌گشتند (موسوی همدانی، ۱۳۷٤ش، ج۱۵، ص ۳۲٦). آیه به یک قضیهٔ شرطی خلاف واقع اشاره می‌کند و وجود دو فضای متفاوت عمق تحسّر بت‌پرستان برای بازگشت و رجوع به دنیا را با دقت بیشتری نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، تفکیک فضای گمان مشرکان از فضای عالم واقع نشان می‌دهد بت‌پرستان تا چه اندازه خواهان بازگشت به زندگی دنیا در روز قیامت‌اند؛ بنابراین، بازگشت به دنیا در «فضای آرزوگونه (خیالی)» قرار گرفته است.

ب. اصل نبوّت

■انعام/۸: «**وَقالوا لولاأُنزّلَ علیه ملکٌ وَلَوأنزلنا ملکًا لَقُضِیَ الأمرُ ثمَّ لایُنظرونَ**».

(از بهانه‌های آنها این بود که) گفتند: چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت مردم به سوی خدا همراهی کند؟)؛ ولی اگر فرشته‌ای بفرستیم (و موضوع جنبهٔ حسی و شهود پیدا کند) کار تمام می‌شود (یعنی اگر مخالفت کنند) دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همه هلاک می‌شوند) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۷٤۸).

آیه در ارتباط با بهانه‌جویی‌های مشرکان دربارهٔ ایمان به خداست. ازجمله بهانه‌جویی‌های مشرکان این بود که چرا پیامبر(ص) به‌تنهایی به این مأموریت دست زده و چرا موجودی غیر از جنس بشر و از جنس فرشتگان او را در این مأموریت همراهی نمی‌کند. مگر می‌تواند انسانی که از جنس ماست، به تنهایی بار رسالت را بر دوش کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج۵، ص ۲۰۵).

تحلیل شناختی آیه: یکی از موانع مهم ایمان‌آوردن مشرکان و کافران این بود که گمان می‌کردند خداوند

باید فرشته‌ای را برای هدایت آنها بفرستد و بشر برای رسالت و پیامبری مناسب نیست و این شبهه در ذهن آنها بود که گمان می‌کردند بشر نمی‌تواند فرستادهٔ پروردگار باشد؛ بنابراین، در فضای ذهنی مشرکان اگر پیامبری از ملائکه (نه مثل خودشان بشر) برای هدایت نازل می‌شد، آنها ایمان می‌آوردند. قرآن نیز در پاسخ به خواستهٔ مشرکان، فضایی را ترسیم می‌کند که اگر ملائکه برای هدایت انسان‌ها نازل شود، چون کالبد جسمی آنها با انسان متفاوت است، هنگام نزول باید به‌صورت بشر درآیند که در این صورت باز کافران گویند اینکه فرشته نیست، بشر است؛ ولی چون خودشان آنها را طلب کردند و خداوند آنها را فرستاد و باز مخالفت کردند و ایمان نیاورند، حجت را بر آنها تمام کرد؛ پس هلاکت و نابودی‌شان حتمی است و در هلاکت‌شان تعجیل می‌کند و در *تفسیر الکشاف* آمده است که اگر فرشته‌ای برای آنان فرستاده می‌شد، چون از جنس خودشان نبود، از ترس چیزی که مشاهده می‌کردند، روح از تنشان بیرون می‌شد (الزمخشری، ۱٤۰۷ ق، ص ۳٦۷). به عبارتی فضای پاسخ به این نکته اشاره می‌کند که اگر بر فرض محال غیب و عالم ملائکه به شهود و عالم ماده تبدیل شود، باز مشرکان ایمان نخواهند آورد؛ بنابراین، در فراز ابتدای آیه ایمان‌آوردن مشرکان با «لَولا» در فضای ذهنی قرار گرفته و نیز در قسمت میانی آیه، نزول ملائکه از عالم غیب به ماده با فضاساز «لَو» در فضای ذهنی قرار گرفته است؛ درنتیجه، تفکیک دو فضای متفاوت در آیه نشان می‌دهد چگونه روحیهٔ متکبر مشرکان اجازهٔ پیروی از بشری همانند خود را به آنها نمی‌دهد و درواقع آنها با اصل نبوت مشکل داشتند.

پ: قساوت و لجاجت مشرکان

قرآن کریم در سوره‌های مختلفی برای نشان‌دادن عناد و دشمنی مشرکان و کفّار با خدا و اینکه آنان حتی اگر معجزات عظیم و خارق‌العاده‌ای را با چشم خود ببینند، آن را انکار می‌کنند و هرگز ایمان نخواهند آورد، فضاهای ذهنی متفاوتی را ترسیم کرده است:

■ رعد/آیه۳۱: «**وَلَوأنّ قرآنًا سُيِّرت به الجِبالُ أو قُطِّعَت به الأرضُ أو كُلِّم به المَوتى بَل لله الأمرُجميعًا أفَلَم**

يَيأس الّذينَ آمَنوا أن لَو يَشاءُاللهُ لَهَدى النّاسُ جميعًا وَلايَزالُ الّذينَ كَفَروا تُصيبُهم بِما صَنَعوا قارعةٌ أو تَحلُّ قريبًا مِن دارِهِم حتّى يَأتى وعدُ الله إنّ اللهَ لايُخلف الميعاد».

اگر به‌وسیلهٔ قرآن، کوهها به حرکت درآیند یا زمین‌ها قطعه‌قطعه شوند، یا به‌وسیلهٔ آن با مردگان سخن گفته شود (بازهم ایمان نخواهند آورد)؛ ولی همهٔ کارها در اختیار خداست. آیا آنها که ایمان آورده‌اند، نمی‌دانند اگر خدا بخواهد، همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد) و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران به سبب اعمال‌شان وارد می‌شود یا به نزدیکی خانه آنها فرود می‌آید تا وعدهٔ (نهایی) خدا فرا رسد. به یقین خداوند در وعدهٔ خود تخلف نمی‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵۷).

تحلیل شناختی آیه: در ارتباط با ترجمه و تفسیر آیه دو نظر متفاوت وجود دارد؛ ولی آنچه برخی مفسران بر آن صحه گذاشته‌اند، تفسیر طبرسی در *مجمع‌البیان* است که می‌گوید: «این آیه دربارهٔ درخواست جمعی از مشرکان مکه ازجمله ابوجهل بن هشام و عبدالله بن امیه المخزومی نازل شده است که به پیامبر(ص) گفتند اگر می‌خواهی از تو اطاعت و

پیروی کنیم، به‌وسیلهٔ قرآنت کوهها را عقب بران تا زمین تنگ مکه فراخ شود و چشمه‌ها و رودهایی برای زراعت و کشاورزی جاری ساز ...» (رک: طبرسی، ۱۳۵۵ش، ج۳. ص ۲۹۳؛ الزمخشری، ۱٤۰۷ق، ص ٦٥٧). آیه به فضای ذهنی غیر متحقق در خارج ناظر است؛ زیرا به‌وسیلهٔ قرآن نه کوهها به حرکت درآمدند نه زمین شکافته شد و نه مردگان به سخن آمدند و نه مشرکان ایمان آوردند و از پیامبر پیروی کردند[1] (درست است که جواب لو حذف شده است، این قسمت از روی ترجمه آیه ذکر شد). به عبارت دیگر، آیه به یک قضیهٔ شرطی خلاف واقع اشاره می‌کند؛ بدین معنا که فضاساز این قضیهٔ شرطی «لو» است که موقعیت فرضی مربوط به درخواست مشرکان را نشان می‌دهد. فضای فرضی موجود حاصل دو فضای متفاوت در آیه است؛ یکی فضای عالم واقع که در آن مشرکان اعتقادی به خدا و پیامبر(ص) ندارند و درخواست معجزه از پیامبر اکرم(ص) را دارند و دیگری فضای ذهنی آیه بوده که در آن به‌وسیلهٔ قرآن کوهها عقب رانده شده و زمین قطعه‌قطعه شده و با مردگان سخن گفته شده است. ترسیم چنین فضایی در پاسخ به درخواست مشرکان بود؛ یعنی اگر به‌وسیلهٔ قرآن کوهها جابه‌جا شوند و زمین شکافته شود و مرده‌ها به زبان درآیند، باز شما مشرکان و کافران ایمان نمی‌آورید. درحقیقت با تفکیک دو فضای عالم واقع و فضای ذهنی آیه نشان داده می‌شود مشرکان تا چه اندازه در ایمان‌آوردن سفت و سخت و لجوج‌اند؛ زیرا آنها با دیدن قرآن که معجزه‌ای بزرگ است، ایمان نیاوردند؛ حال با هیچ معجزهٔ دیگری نیز ایمان نخواهند آورد. فضای ذهنی آیه از نوع «فرضی» است.

فضای ذهنی برجستهٔ دیگری دربارهٔ مشرکان در سورهٔ انعام آیه ۱۱۱ آمده است:

«وَلَو أنزَلنا إلیهم الملائکةَ وَکَلَّمَهُم المَوتی وَحَشَرنا عَلیهم کلّ شیءٍ قُبُلًا مَا کانوا لِیُؤمِنوا إلّا أن یَشاءَ ولکنّ أکثرَهم یَجهلون».

(و حتی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می‌کردیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و همه‌چیز را در برابر آنها جمع می‌کردیم، هرگز ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه خدا بخواهد؛ ولی بیشتر آنها نمی‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۷۹۳).

تحلیل شناختی آیه: آیت‌الله مکارم شیرازی دربارهٔ ارتباط این آیه با سیاق گفته است هدف این آیه این است که روشن سازد جمعی از تقاضاکنندگانِ معجزات عجیب و غریب در تقاضای خود صادق نیستند و هدف‌شان پذیرش حق نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج۵، ص ٤۹۹) و قرآن در پاسخ، فضاهای ذهنی را مطرح می‌کند که خداوند در آن برای این دسته از کفّار فرشتگانی را نازل می‌کند و آنان با مردگان سخن می‌گویند و هر آنچه این کفّار می‌خواهند در برابرشان جمع می‌کند تا ایمان بیاورند. ترسیم چنین فضایی بهترین پاسخ برای کفّار و اشقیا بود. درحقیقت ظاهر آیه دو فضا را با هم مرتبط می‌سازد؛ یکی فضای عالم واقع که در آن مشرکان اعتقادی به خداوند ندارند و تقاضای معجزات عجیب و غریب را دارند و دیگر، فضای ذهنی آیه که در پاسخ ترسیم می‌کند؛ یعنی نزول ملائکه و سخن‌گفتن‌شان با مردگان؛ بدین سبب با تفکیک دو فضای موجود کاملاً مشخص است کفّار درنهایت عناد و دشمنی با خداوند و قرآن به سر می‌برند و برای

[1]. بدیهی است به اذن خداوند تمامی این امور محقق می‌شوند؛ اما در اینجا صرفاً فضای موجود در آیه با توجه به سیاق بررسی شد.

دل‌های لجوج هیچ آیه و نشانه‌ای زمینه‌ساز ایمان نمی‌شود. در آیه نازل‌شدن ملائکه و سخن‌گفتن آنان با مردگان در فضای ذهنی «فرضی» قرار گرفته است.

ت: منزّه‌بودن از داشتن فرزند

■ زمر/آیه٤: «**لَو أرادَ اللهُ أن يَتّخِذَ ولدًا لاصطَفى ممّا يَخلُق ما يَشاء**».

اگر (به فرض محال) خدا می‌خواست فرزندی انتخاب کند، از میان مخلوقاتش آنچه را می‌خواست بر می‌گزید، منزه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)، او خداوند یکتای پیروز است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱۹).

تحلیل شناختی آیه: این آیه در پاسخ به مشرکانی است که علاوه بر اینکه بت‌ها را واسطه و شفیع نزد خدا می‌دانستند، فرشتگان را نیز دختران خدا می‌پنداشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج۱۹، ص ۳۹۳). درواقع احتجاجی علیه این اعتقاد مشرکین است که خدا فرزند برای خود گرفته است و نیز علیه این اعتقاد که ملائکه دختران خدایند (الطباطبایی، ۱۳۷٤، ج ۱۷، ص ۲۸٦). درحقیقت قرآن در پاسخ، فضایی ذهنی را مطرح می‌کند که اگر خداوند اراده می‌کرد فرزندی بگیرد، بعضی از مخلوقات خود را برای این کار بر می‌گزید؛ اما ارادهٔ فرزندداشتن برای او ممتنع و محال است. این فضای ذهنی قرآن که با فضاساز «لو» یک فضای فرضی را به وجود آورده است، بهترین پاسخ برای مشرکان بود؛ زیرا با تفکیک دو فضای متفاوت آیه (یعنی فضای عالم واقع و فضای ذهنی) یگانگی و وحدانیت خداوند به‌خوبی نشان داده شده است. در آیه، فرزندداشتن خداوند در فضای ذهنی «فرضی» قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

از نتایج بررسی نقش دو فضاساز گروه فعلی و ساخت‌های شرطی در تحلیل فضاهای ذهنی سوره‌های قرآن کریم به موارد زیر اشاره می‌شود:

– فضاهای ذهنی ماهیتی تصوری دارند؛ به گونه‌ای که در مواجه با عبارات یکسان، فضاهای ذهنی متعددی از آن بیرون می‌کشند که هرکدام از آنها برحسب فضای خاص، موقعیتی خاص ترسیم می‌کنند. درحقیقت این ذهن بشر است که قابلیت این را دارد که با استفاده از ابزارهای گوناگون، فضایی خلق کند که دور از واقعیت و حتی عجیب باشد و حال ویژگی تصوری‌بودن مفهوم‌سازی در فضاهای ذهنی درصدد نشان‌دادن این ظرفیت شناختی بشر است؛ بنابراین، فضاهای ذهنی از ابزارهایی است که ماهیت تصوری مفهوم‌سازی در ذهن را بازنمایی می‌کند. بازنمایی فضاها در ذهن به کارایی برخی واحدهای زبانی در عبارات مرتبط است. واحدهای زبانی که به‌خودی‌خود ترسیم‌گر موقعیت‌های مکانی، زمانی و موقعیت‌های فرضی‌اند و واحدهای زبانی توانایی ترسیم صحنه‌هایی فراتر از زمان و مکان کنونی را دارند و حتی توانایی ترسیم موقعیت فرضی را دارند؛ درنتیجه، در می‌یابیم زبان با استفاده از ابزارهایش چگونه به انسان کمک می‌کند تا فرایندها و عملیات ذهنی خود را هنگام تحلیل عبارات نشان دهد.

قرآن کریم به‌عنوان کلام وحیانی دارای مفاهیم عمیق و چندلایه بوده که انسان همواره درصدد دستیابی به کنه آن است؛ ازاین‌رو، نظریهٔ فضاهای ذهنی با تمام ماهیت و کارکردش به انسان کمک می‌کند تا به مفاهیم عمیق و قابل تأمل قرآن دست یابد و با بازنمایی فضاهای سوره‌ها برحسب فضاهای

موقعیت‌های گوناگون (فضاهای پایه) به چگونگی گفتمان موجود بین قرآن و مخاطبانش برسد.

– با بررسی نقش دو عنصر فضاساز گروه فعلی و ساخت‌های شرطی در تحلیل فضاهای ذهنی سوره‌های قرآن دریافته شد گروه فعلی در حوزهٔ مفهومی مسائلی همچون معاد (احیا و برانگیخته‌شدن مردگان)، اصل خالقیت (تعارض همسر و فرزندداشتن با اصل خالقیت)، توحید (یگانگی و وحدانیت خداوند)، فضاسازی می‌کند و نیز ساخت‌های شرطی در حوزه‌های مفهومی مسائلی مثل قیامت (بازگشت به دنیا برای ایمان‌آوری و عدم اطاعت از گمراهان)، نپذیرفتن اصل نبوّت (قبول‌نکردن پیامبری از جنس بشر)، اعتقادی (درخواست معجزه‌های عجیب و غریب برای ایمان‌آوری مشرکان)، توحید و یکتایی خداوند (منزه‌بودن او از داشتن فرزند) و توبه (استغفار پلی به سوی الطاف رحمت الهی) فضاسازی کرده‌اند.

خاتمه

پس از آگاهی از ماهیت فضاهای ذهنی دانسته شد چگونه نظریه‌های شناختی، ظرفیت‌های شناختی ذهن بشر را نشان می‌دهند و چگونه در بازنمایی آنها نقش دارند و پس از بررسی و تحلیل فضاهای ذهنی آیات قرآن در پرتو این نظریه، ذکر این نکته الزامی است که تحلیل سوره‌ها با رویکرد فضاهای ذهنی بدین معنا نیست که قرآن، متنی با موقعیت‌های گفتمانی چندگانه است و از هر آیه چند موقعیت برداشت می‌شود، هرگز! بلکه قرآن دارای ساختاری یکپارچه و مرتبط به‌هم است. درواقع ما با تحلیل فضاهای ذهنی سوره‌ها درصدد آگاهی از نوع تفکر و چگونگی تفکر افراد خطاب‌شده در سوره‌ها هستیم؛ به گونه‌ای که دریابیم به راستی (برای مثال) در فضای ذهنی عقاید مشرکان و فضای شبهات آنان چه می‌گذشت چنین رفتار می‌کردند و نیز با تحلیل فضاهای پاسخ درصدد فهم عمیق کلام الهی هستیم تا دریابیم خدا آنان را چگونه می‌بیند. پس فضاهای ذهنی از ابزارهای زبانی است که کمک می‌کند نخست، دریافته شود مخاطب چگونه فکر می‌کند و هنگام رویارویی با مسائل و مفاهیم مختلف، چگونه آنها را در ذهن خود بازنمایی می‌کند و دوم، درک مفاهیم انتزاعی فضاهای پاسخ برای ما میسر شود؛ ازاین‌رو، تحلیل هرچه بیشتر متون بر پایهٔ فضاهای ذهنی، اهمیت مطالعهٔ آن را نزد ما چندین برابر می‌کند.

کتابنامه

افراشی، آزیتا. (۱۳۹۵ش). *مبانی معناشناسی شناختی*. چاپ اول. طهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بهرامی خورشید، سحر. (۱۳۹۸ش). *دستورشناختی مبانی نظری و کاربست آن در زبان فارسی*. چاپ اول. طهران: سمت.

بوشلیق، وهیبه. (۲۰۱۹م). نظریهٔ الأفضیهٔ الذهنیهٔ، المفهوم والاجراءات. *مجله العمده فی اللسانیات و تحلیل الخطاب*، *جامعه المسیله*، مجلد ۳، ۳۵-۴۳.

الذویبی، لطفیل. (۲۰۱٦م). قدرهٔ نظریهٔ الفضاءات الذهنیهٔ علی تأویل الأبنیهٔ اللغویهٔ. *مجلهٔ العلامهٔ*، العدد الثالث، ۱۱-۲۷.

راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۷ش). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. چاپ ۷. طهران: سمت.

روشن، بلقیس. و اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۲ش). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. چاپ ۱. طهران: نشر

علم.

الزناد، الازهر. (۲۰۰۹م). *نظریات لسانیهٔ عرفنیهٔ*. الدارالعربیهٔ للعلوم.

الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو. (۱٤۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دارالکتاب العربی.

السیوطی، جلال‌الدین. (۱٤۲۲ق). *أسباب النزول*. الطبعهٔ ۱. بی‌جا: مؤسسهٔ الکتب الثقافیهٔ.

شیرافکن، محمدحسین. و صاحبیان، فاطمه. (۱۳۹۹ش). بررسی فضاهای ذهنی سورهٔ قمر با تأکید بر معناشناسی شناختی. *مجله ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*، ۲۱ (۸٤)، ۱۸۱– ۲۰٦.

شیرافکن، محمدحسین. و قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۵ش). تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قران کریم*، ۷ (۲)، ٦۳– ۷۸.

الطبرسی، ابوعلی. (۱۳۵۵ش). *مجمع البیان فی تفسیرالقرآن*. المجلد ۱. سوریا: مطبعهٔ العرفان.

_____. (۱۳۵۵ش). *مجمع البیان فی تفسیرالقرآن*. المجلد ۳. سوریا: مطبعهٔ العرفان.

علامه طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷٤ش). *المیزان فی تفسیرالقرآن*. ترجمهٔ محمدباقر موسوی همدانی. المجلد ۱۵و۱٦. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

_____. (۱۳٦۰). *المیزان فی تفسیرالقرآن*. المجلد۱. طهران: طبعهٔ الحیدری.

فوکونیه، زان. و ترنر، مارک. (۱۳۹۹ش). *چگونه می‌اندیشیم آمیزهٔ مفهومی و پیچیدگی‌های پنهان ذهن*. ترجمهٔ جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹٦ش). *معناشناسی شناختی قرآن*. چاپ ۲. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

_____. (۱۳۹٦ش). *استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآنی*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

کوچش، زلتن. (۱۳۹۳ش). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمهٔ شیرین پورابراهیم. تهران: سمت.

لبش، علی‌اکبر. نجفیان، آرزو. روشن، بلقیس. و سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۹۷ش). مراحل ساخت معنا در خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه از دیدگاه نظریه آمیختگی مفهومی. *جستارهای زبانی*، ۹، (٦)، ۱–۲۳.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳ش). *تفسیر نمونه*. المجلد ۱۹و٤. طهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.

_____. (۱۳۸۷ش). *تفسیر نمونه*. المجلد ۵. الطبعهٔ ۳۹. طهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.

_____. (۱۳۸۷). برگزیدهٔ تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.

_____. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. ج ۱٤. تهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.

نقی‌زاده، محمود. و اورکی، غلامحسن. (۱۳۹۵). تحلیل شناختی ساختار مفهومی قرآن در چارچوب نظریه فضاهای ذهنی فوکونیه. *ذهن*، ٦۵، ۱۲۱–۱٤۲.

Fouconnier, G. ("1985" 1994). *Mental spaces*. Cambridge: Cambridge University press.

Fouconnier, Gilles and Mark Terner. (2002). *The way we Think: Conceptual Blending and the Mind*, s *Hidden Complexities*. New York: Basic Books.

Bibliography

Afrashi, Azita. (2017). *Fundamentals of Cognitive Semantics*. First Edition. Tehran: Institute of Humanities and

Interdisciplinary researches of the Holy Quran, 7 (2), 63-78.

Al-Tabarsi, Abu Ali. (1977). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an*. Vol 1. Syria: Erfan Press.

_____. (1977). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an*. Vol 3. Syria: Erfan Press.

Allameh Tabatabai, Mohammad Hussein. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an.* Translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani. Vol 15 and 16. Qom: Qom Seminary Teachers Association.

_____. (1982). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Vol 1. Tehran: Al-Heydari Press.

Fauconnier, Gilles. And Turner, Mark. (2021). *How do we think the conceptual and hidden complexities of the mind.* Translated by Jahanshah Mirzabeigi. Tehran: Agah.

Qaemunia, Alireza. (2018). *Cognitive Semantics of the Quran*. Second Edition. Tehran: Islamic Culture and Thought Publishing Organization.

_____. (2018). *Conceptual metaphors and Qur'anic spaces.* First Edition. Tehran: Islamic Culture and Thought Publishing Organization.

Zoltan Kövecses. (2015). *Metaphor A Practical Introduction.* Translated by Shirin Poorabrahim. Tehran: Samt.

Labsh, Ali Akbar. Najafian, Arzoo. Roshan, Belqis. And Soltani, Ali Asghar. (2019). The stages of constructing the meaning in Sermon 87 of Nahj al-Balaghah from the perspective of the theory of concept of fusion. *Linguistic researches*, 9, (6), 1-23.

Makarem Shirazi, Naser. (1975). *Tafsir Nemooneh*. Vol 19 and 4. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

Cultural Studies.

Bahrami Khorshid, Sahar. (2020). *Grammar of theoretical foundations and its application in Persian language*. First Edition. Tehran: Samt.

Boshliq, Wahibeh. (2019). Mental Space Theory, concepts and applications. *Al-Umda Fi Al-Lisaniyyat wa Tahlil Al-Khitab*, Al-Masilah University, Volume 3, 35-43.

Al-Dhavibi, Lutfail. (2016). The ability of mental space theory to interpret linguistic structures. *Journal of Al-Lameh*, Third Number, 11-27.

Rasekh Mohannad, Mohammad (2019). *An Introduction to Cognitive Linguistics.* 7th Edition. Tehran: Samt.

Roshan, Belqis. And Ardabili, Leila. (2013). *Introduction to Cognitive Semantics*. First Edition. Tehran: Elm.

Al-azhar, Zanned. (2009). *Cognitive linguistic theories*. Al-Dar Al-Arabiah li-Ulum

Al-Zamakhshari, Abu al-Qasim Mahmud bin Amr. (1407 AH). *Al-Kashshaaf 'an Haqa'iq at-Tanzil.* Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Al-Suyuti, Jalaluddin. (1422 AH). *Asbab Al-Nuzul*. First Edition. n.p: Cultural Books Institute.

Shirafkan, Mohamad Hussein. And Sahebiyan, Fatimeh. (2021). Examining the mental spaces of Surah Qamar with emphasis on cognitive semantics. *Journal of Mind*, Institute of Islamic Culture and Thought, 21 (84), 181-206.

Shirafkan, Mohammad Hussein And Ghaeminia, Alireza. (2017). Analysis of the mental spaces of Satan's discourse in the Qur'an.

the Qur'an in Fauconnier's theory of mental spaces. *Mind*, 65, 121-142.

Fouconnier, G. ("1985" 1994). *Mental spaces*. Cambridge: Cambridge University press.

Fouconnier, Gilles and Mark Turner. (2002). *The way we Think: Conceptual Blending and the Mind, s Hidden Complexities*. New York: Basic Books.

_____. (2008). *Tafsir Nemooneh.* Vol 5. 39th Edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

_____. (2008). *Bargozideh Tafsir Nemooneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

_____. (2002). *Tafsir Nemooneh.* Vol 14. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

Naghi zadeh, Mahmood And Orki, Ghulam Hasan. (2017). Cognitive analysis of the conceptual structure of